

خطابه مبارک در مسئله خلقت در نیویورک در بیت مبارک شب پنجم

ماه جولای ۱۹۱۲ سنه ۱۳۳۰

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۱۰۶

خطابه مبارک در مسئله خلقت در نیویورک امریکا در بیت مبارک شب پنجم ماه جولای ۱۹۱۲ سنه ۱۳۳۰

انسان در عالم وجود طی مراتب کرده است تا بعالم انسانی رسیده است در هر رتبه استعداد صعود برتبه مافوق پیدا کرده است در عالم جماد بوده استعداد ترقی برتبه نبات پیدا کرده لهذا بعالم نبات آمده در عالم نبات استعداد و ترقی بعالم حیوان حاصل نموده لهذا بعالم حیوان آمده و از عالم حیوان بعالم انسان آمده در بدایت حیاتش انسان در عالم رحم بود و در عالم رحم استعداد و لیاقت ترقی باین عالم حاصل کرد و قوائی که در این عالم لازم بود در آن عالم تحصیل نمود چشم لازم داشت در این عالم در عالم رحم حاصل کرد گوش لازم داشت در این عالم در عالم رحم پیدا کرد جمیع قوائی که در این عالم لازم بود در عالم رحم تحصیل کرد در عالم رحم میبای این عالم شد و باین عالم که آمد دید که جمیع قوای لازمه میبایست جمیع اعضا و اجزائی که از برای این حیات لازم دارد در آن عالم حاصل نموده پس در این عالم نیز باید تهیه و تدارک عالم بعد را دید و آنچه در عالم ملکوت محتاج باید تهیه و تدارک آن در اینجا بیند همچنان که در عالم رحم قوائی که در این عالم محتاج بآن است پیدا نمود همچنین لازم است که آنچه در عالم ملکوت لازم یعنی جمیع قوای ملکوتی را در این عالم تحصیل بکند در عالم ملکوت بعد از انتقال از این عالم بآن عالم محتاج بچه چیز است و محتاج بچه قوائی است چون آن عالم عالم تقدیس است عالم نورانیت است لهذا لازم است که در این عالم تحصیل تقدیس و نورانیت کنیم و آن نورانیت را باید در این عالم حاصل کنیم و در آن عالم روحانیت لازم آن روحانیت را باید در این عالم تحصیل نمائیم در آن عالم ایمان و ایقان و معرفت الله و محبت الله لازم جمیع را باید در این عالم تحصیل کرد تا بعد از صعود از این عالم بآن عالم باقی انسان ببیند جمیع آنچه لازم آن حیات ابدی است حاصل نموده است واضح است که آن عالم عالم انوار است لهذا نورانیت لازم است آن عالم عالم محبت الله است لهذا محبت الله لازم است آن عالم عالم کلمات است لهذا باید در این عالم تحصیل کلمات کرد آن عالم عالم نفثات روح القدس است در این عالم باید درک نفثات روح القدس نمود آن عالم عالم حیات ابدیست در این عالم باید حیات ابدی حاصل نمود انسان بتمام همّت باید این مواهب را تحصیل نماید و این قوای رحمانی را باعلی درجه کمال باید بدست آورد و آن اینست اول معرفت الله ثانی محبت الله ثالث ایمان رابع اعمال خیریه خامس جانفشانی سادس انقطاع سابع طهارت و تقدیس و تا این قوی را پیدا نکند و این امور را حاصل ننماید البته از



ORIGINAL

حیات ابدیه محروم است اما اگر بمعرفت الهی موفق گردد و بنار محبت الله مشتعل شود و مشاهده آیات کبری کند و سبب محبت بین بشر شود و در کمال طهارت و تقدیس باشد البته تولّد ثانی یابد و بروح القدس تعمید گردد و حیات ابدیه مشاهده کند سبحان الله تعجب اینجاست که خدا جمیع بشر را بجهت معرفت خود خلق نمود بجهت محبت خود خلق نمود بجهت کالات عالم انسانی خلق نمود بجهت حیات ابدیه خلق نمود بجهت روحانیت الهی خلق نمود و بجهت نورانیت آسمانی خلق نمود با وجود این بشر از جمیع غافل نهایت آرزو را دارد و شب و روز میکوشد که بفهمد در زیر زمین چه چیز است معرفت هر چیزی را تحرّی مینماید جز معرفت الله میخواهد بفهمد توی این سنگ چه چیز است زیر این خاک چه چیز است بجمیع قوی میکوشد و بنهایت مشقّت سعی میکند تا کشف سرّی از اسرار خاک کند اما ابداً در فکر آن نیست که از اسرار ملکوت مطلع شود در عالم ملکوت سیر کند بر حقائق ملکوت اطلاع یابد کشف اسرار الهی کند و بمعرفت الله برسد و مشاهده انوار حقیقت کند و بحقائق ملکوتیه پی برد ابداً در این فکر نیست ولی باسرار ناسوت چه قدر منجذب است اما از اسرار ملکوت بکلی بیخبر بلکه از اسرار ملکوت بیزار است چه قدر این جهل است چه قدر نادانست چه قدر سبب ذلّت است مثل آن است که انسان یک پدر مهربان داشته باشد که از برای او کتب نفیسه مهیا نموده تا باسرار عالم کون مطلع گردد زینت راحت و آسایش و نعمت مهیا نموده لکن پسر از مقتضیات طفولیت و بی ادراکی از جمیع اینها چشم پوشیده در کنار دریا تعلق بریگها یابد و بملاعب اوقات خود را بگذراند و از جمیع این مواهب که پدر برای او مهیا نموده دوری جوید چه قدر این طفل نادانست چه قدر این طفل جاهل است پدر از برای او عزّت ابدیه خواسته و او بذلّت کبری راضی پدر از برای او قصر ملکوتی مهیا نموده و لکن او بخابجازی مشغول پدر از برای او خلعتی از حریر دوخته و لکن او برهنه راه می رود پدر از برای او اعظم مواهب و لذیذترین نعمتها حاضر نموده و لکن او عقب گناه تبه می رود باری شما الحمد لله ندای ملکوت شنیدید و چشمهای خود را گشودید توجه بخدا نمودید مرادتان رضای الهی نهایت آملتان معرفت الهی مقصودتان اطلاع باسرار ملکوت و افکارتان حصر در کشف حقائق حکمت الهیه شب و روز فکر کنید و بکوشید و تحرّی نمائید تا باسرار خلقت الهی موفق گردید و بدلائل الوهیت مطلع شوید و یقین معرفت پیدا کنید که این عالم را موجدی هست خالق هست محیی هست رازق هست مدبری هست لکن بدلائل و براهین نه بمجرد احساسات بلکه براهین قاطعه و دلائل واضح و کشف حقیقی یعنی مشاهده موفق گردید آفتاب را چگونه مشاهده میکنید آیات الهی را چنین مشاهده عینی لازم و همچنین بمعرفت مظاهر مقدسه الهیه پی برید باید مظاهر مقدسه الهیه را بدلائل و براهین عارف شوید و همچنین تعالیم مظاهر مقدسه الهیه را باید اطلاع یابید و اسرار ملکوت الهی را باید مطلع شوید باید حقائق اشیاء را کشف کنید تا مظهر الطاف الهی شوید و مؤمن حقیقی گردید و ثابت و راسخ بر امر الله الحمد لله ابواب معرفت الله را حضرت بهاء الله گشوده و از برای کل تأسیس فرموده تا بجمیع اسرار ملک و ملکوت مطلع شوید و نهایت تأیید را نموده اوست معلّم ما اوست ناصح ما اوست رهبر ما اوست شبان ما جمیع الطاف خویش را مهیا نموده عنایتش را مبذول داشته هر نصیحتی را از برای ما نموده هر تعلیمی را از برای ما بیان کرده اسباب عزّت ابدیه برای ما مهیا کرده نفثات روح القدس از برای ما حاضر نموده ابواب محبت الهی را بر روی ما باز کرده انوار شمس حقیقت بر ما تابیده ابر رحمت بر ما باریده بحر الطاف بر ما موج زده بهار روحانی آمده فیوضات نامتناهی الهی جلوه نموده دیگر چه موهبتی است اعظم از این چه الطافینست اکبر از این باید قدر این را بدانیم و بموجب تعالیم حضرتش عمل نمائیم تا کلّ خیر از برای ما حاصل گردد و در دو جهان عزیز شویم و نعمت ابدیه را بیابیم و لذّت محبت الله را بچشم و اسرار معرفت الله را درک کنیم و موهبت آسمانی را ببینیم و قوه روح القدس را مشاهده کنیم اینست وصیت من این است نصیحت من